

راهکارهای اصلاح

محله‌های شهری گتونشین در تهران

نویسنده

دکتر آرمان قیسوندی

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور مرکز سندانج

چکیده

امروزه افزایش روند شهرنشینی و تمرکز جمعیت در شهرها در تمامی کشورهای دنیا امری انکارناپذیر است. اما این پدیده در همه جا نتایج یکسانی به همراه نداشته است. در جوامع صنعتی، به دلیل رشد موزون اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، از تجمع نیروهای انسانی در شهرها به بهترین شکل و در جهت توسعه همه جانبه استفاده گردیده، در حالیکه در کشورهای جهان سوم، به علت عدم وجود زیرساختهای مناسب و رشد ناهمگون، هجوم جمعیت به شهرها، معضلات و مشکلات اجتماعی فراوانی را سبب گردیده و دولت‌ها را با چالشی جدی و عمیق درگیر نموده است. ایجاد مساکن ناهنجار و مناطق و محلات گتونشین در شهرهای بزرگ و کلان شهرها در جوامع عقب‌نگاه داشته شده که به دلیل عدم جذب مناسب جمعیت جوای کار و عمدتاً مهاجر روستایی به این مناطق شکل گرفته است، یکی از بزرگترین و مهمترین مسائلی است که ذهن برنامه‌ریزان و تصمیم‌سازان شهری را در این گونه جوامع به خود مشغول کرده است. پدیده‌ای که تجربه نشان داده اگر به درستی و بدون مطالعه دقیق و عمیق با آن برخورد نشود، خود زمینه‌ساز بروز ناهنجاریهای اجتماعی فراوان دیگری می‌گردد. این مقاله، کوششی در جهت شناخت پدیده جدایی‌گزینی فضایی - اجتماعی در محله‌های شهری (گتونشینی) و تأثیر آن بر بافت و کالبد شهرها و در نهایت بررسی این مسأله در شهر تهران به عنوان پایتخت ایران - شهری که هرگونه دخالت و برنامه‌ریزی در آن به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر دیگر شهرهای کشور اثرگذار است - ارائه و پیشنهاد راه‌حلهایی مناسب با فرهنگ بومی و ملی برای برخورد با این مسأله می‌باشد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سیاستهای بی‌توجهی و حذفی و از بین بردن محلات گتونشین نه تنها مؤثر واقع نگردیده، بلکه برعکس نتایج منفی فراوانی چون افزایش ناهنجاریها و آسیبهای اجتماعی به بار آورده است. ارائه تسهیلات و وضع قوانین و سیاستهای تشویقی توسط دولت و عبارات دیگر تغییر نگرش از بالا به پایین و ارزش قائل شدن برای این گونه محلات و ساکنان آنها سبب می‌گردد که گتونشینان به دست خود زمینه ارتقاء مساکن و بافتهای سکونت‌نشان را فراهم کرده و به وضعیت اقتصادی و معیشتی آنان آنچنان بهبود یابد که مساکن خود ساخته را راه جذب دیگر محلات و مناطق توسعه یافته شهری شوند.

۱- تعریف و مفهوم گتو^۱

گتو یک واژه ایتالیایی است و اول بار در سال ۱۵۱۶، عنوان گتو در شهر ونیز به کار گرفته شد. از گتوها تعاریف و مفاهیم بسیاری ذکر شده است.

آنچه در زیر می‌آید، یکی از کامل‌ترین این تعاریف می‌باشد:

«گتو، به منطقه یا محله‌ای از شهر گفته می‌شود که در آن، اقلیت‌های مذهبی، قومی و زبانی در نتیجه فشارهای اجتماعی - اقتصادی و قانونی به صورت جدا از سایر گروههای شهری زندگی می‌کنند. گتو، بیانگر زندگی و محدودیت یک اقلیت در میان یک اکثریت بزرگ شهری است. گتو، نتیجه جدایی‌گزینی اکولوژیکی است که از روی اجبار و در جهت دوری از تجاوزات و مزاحمتها در بخشی از شهر تشکیل می‌شود و جدایی مذهبی، نژادی و فقر را از سایر بخشهای شهری نشان می‌دهد». (شکویی ۱۳۶۵: ۶۳-۶۴)

عده‌ای از محققین، گتوها را با معیارهای آماری می‌شناسند و آن را بخشی از شهر می‌دانند که به هنگام آمارگیری‌های جمعیتی، بیش از ۵۰٪ جمعیت ساکن در آن بخش به یک مذهب، به یک نژاد، به یک زبان و یا به یک پایگاه اجتماعی - اقتصادی جدا از خصیصه‌های مذهبی، نژادی، زبانی، اجتماعی و اقتصادی اکثریت مردم شهر تعلق داشته باشند. البته در هسته اصلی گتوها شاید تا ۷۵٪ جمعیت ساکن ویژگیهای خود را داشته باشند و با فاصله گرفتن از هسته اصلی گتوها نسبت فوق‌کاهش می‌یابد. بخشی از گتو که نسبت جمعیتی ویژه آن به ۳۰٪ تنزل یابد «منطقه در حال تحول گتو» نامیده می‌شود. (شکویی ۱۳۶۵: ۶۴) رابرت ازرا پارک^۲، در مقاله‌ای تحت عنوان «مهاجرت انسانی و انسان حاشیه‌نشین»، روحیات گتونشینان را این گونه توصیف می‌کند: (پیران ۱۳۷۲: ۷-۳۴)

«انسان گتونشین، شخصیتی است که از حاصل برخورد یا پیوند دو نظام فرهنگی متفاوت و احیاناً متخاصم ظهور می‌کند. چنین موجود دورگه‌ای در زمان واحد نسبت به هر دو نظام فرهنگی احساس بستگی و تعلق دارد ولی در عین حال خود را نسبت به هیچکدام کاملاً متعلق و متمایل نمی‌داند.»

بنابراین، آنچنانکه مشخص است، مفهوم «گتو» با جدایی‌گزینی اجتماعی و فضایی رابطه بسیار نزدیکی داشته و یک نوع انزوای ساکنان این مناطق را به دلایل گوناگون از سایر بافتهای شهری و حتی در بعضی موارد شیوه رایج زندگی سایر مردم شهر نشان می‌دهد.

۲- انواع گتوها

گتوهای شهری، در اغلب موارد، به وسیله موانع فیزیکی یا انسانی از

بقیه بخشهای شهری جدا می‌شوند. ناهمواریها، رودها، ایستگاه راه‌آهن، مانداب، گورستان، فرودگاه قدیمی از آن جمله است. پاره‌ای از محققین، با توجه به محدودیتهای نژادی، قومی، مذهبی و فقر گسترده، از گتوهای شهری به عنوان «مستعمره» نام می‌برند. بنابراین به طور کلی می‌توان انواع گتوها را به گتوهای مذهبی، گتوهای نژادی و قومی و گتوهای فقر تقسیم‌بندی نمود:

۱-۲- گتوهای مذهبی

شاید گتوهای مذهبی، قدیمی‌ترین گتوها در تاریخ بشر باشند که با ویژگیهای دوره‌های مختلف تاریخی پیوند می‌خورند و از آن میان گتوهای یهودیان از سابقه طولانی برخوردار است. در شهرهای دوره قرون وسطی، یهودیان همواره مجبور بودند که در محلات معینی زندگی کنند تا بتوانند مراسم مذهبی خود را با آزادی کامل به انجام برسانند.

در شهرهای قرون وسطی، یهودیان بیشتر در مشاغل مهم نظیر پزشکی، بانکداری، تجارت و داروسازی تخصص داشتند و تفاوتشان با مردم شهر تنها در اجرای مراسم مذهبی و نوع لباس بود که به آنها دلبستگی زیادی نشان می‌دادند.

در شهرهای بزرگ، بیرون از گتوها، گاهی اوقات فرصتها و امکانات پیشرفت اقلیتهای مذهبی فراهم می‌گشت و گتونشینان با پشت سر گذاشتن دیوار گتوها می‌توانستند وارد جامعه شهری شده، در پاره‌ای از حرفه‌ها و مشاغل به موفقیت‌های چشمگیری برسند گاهی هم برای پیشرفت کار، دین اکثریت مردم شهر را می‌پذیرفتند. اما عده‌ای نیز با گذشت زمان، دین تازه را رها ساخته دوباره به گتوها مراجعت می‌کردند تا زندگی دوباره‌ای را میان همکیشان خود آغاز کنند. (شکویی ۱۳۶۵: ۶۸)

گتوهای مذهبی که در قرون وسطی در بیشتر شهرهای بزرگ تشکیل شده بود با وجود محدودیتهای و مزاحمت‌های جامعه شهری، از امتیازاتی هم بهره‌مند بود؛ اول اینکه زندگی در آنها فعال‌تر و پویاتر بوده و مراودات اجتماعی بیشتری بین ساکنان وجود داشت و دوم اینکه گتوهای مذهبی، مردم گتونشین را متکی به خود و همکیشانانشان تربیت می‌کردند و این اقلیتهای مذهبی با سفر به شهرهای مختلف و اقامت در گتوهای شهری مشابه با زندگی همکیشان خود در بسیاری از شهرهای دنیا آشنا می‌شدند. از همین روست که بسیاری از صاحب‌نظران ریشه تاریخی پیوستگی و حمایت بسیار شدید امروزی پیروان برخی از مذاهب بخصوص یهودیان را از یکدیگر در سرتاسر نقاط جهان ناشی از زندگی آنها در «گتوهای مذهبی» قرون وسطی می‌دانند.

۲-۲- گتوهای نژادی و قومی

در گتوهای نژادی و قومی، ساکنان تنها بدلیل تفاوت در نژاد، رنگ پوست و یا قومیت خود که مورد قبول اکثریت جامعه نمی‌باشد، زندگی می‌کنند. در همه گتوهای نژادی دنیا، در مشاغل مشابه، میزان دریافتی سفیدپوستان بیش از رنگین پوستان است. گتوهای نژادی، از سوی پلیس و

دستگاه‌های انتظامی کمتر مورد حمایت قرار می‌گیرند. در گتوهای نژادی افرادی که بیکارند و درآمدی ندارند از آنهایی که به درآمد متوسطی دست یافته‌اند، می‌زدند. معمولاً، تراکم شدید جمعیت، حاکمیت بیکاری، عدم توجه پلیس و از هم پاشیدگی بنیانهای خانوادگی از ویژگیهای گتوهای نژادی می‌باشد.

امروزه با افزایش آگاهی‌های عمومی و مبارزات پیگیرانه‌ای که در طول سالها با پدیده نژادپرستی به عمل آمده، دیگر به ندرت گتوهای نژادی در سرتاسر جهان وجود دارند اما گتوهای قومی به خصوص در کشورهای پیشرفته و مهاجرپذیر، از تمرکز قومیتها و ملیتهای کشورهای دیگر و عموماً جهان سوم فراوان به چشم می‌خورند.

۳-۲- گتوهای فقر

چهره کاملاً روشن گتوهای شهری، گسترش زاغه‌نشینی در گتوهای فقر در شهرهای بزرگ جهان سوم است. زاغه‌های شهری، جایگاه آن دسته از گروه‌های انسانی است که جامعه شهری و سازمانهای حاکم بر آن هنوز نسبت به پذیرش آنها به عنوان شهروند بی‌اعتنا می‌باشند. در بخشهای زاغه‌ای، تسلط فرهنگ فقر چشمگیر می‌نماید. این زاغه‌ها جایگاه مردمی است که از نظر جامعه شهری غریبه و بیگانه‌اند. این احساس بیگانگی یا بر معیار کمبود درآمد و یا بر پایه حاکمیت تبعیضات نژادی و قومی استوار است. این مردم چه در حاشیه شهرها باشند و چه در داخل محلات قدیمی شهر زندگی کنند، منتظرند تا خود و فرزندانشان با آموزشهای حرفه‌ای و فنی بتوانند سازمانهای شهری را نسبت به پذیرش خود راضی سازند. چنین می‌نماید که باید نسلی قربانی شود و در حاشیه شهرها زندگی را تابه سازد تا نسل بعد بتواند خود را با جامعه شهری تطبیق دهد. (شکویی ۱۳۶۵: ۷۴-۷۶)

عده‌ای از محققین به هنگام شناخت گتوهای فقر، بررسی عوامل زیر را لازم می‌دانند:

- زندگی در واحدهای مسکونی غیراستاندارد.
- درآمد پایین خانواده‌ها
- میزان روزهای بیکاری
- سطح پایین آموزش و تحصیلات
- جذب نیروی کار در مشاغل غیر تخصصی
- نابسامانیهای خانوادگی

بنابراین، با شناخت انواع گتوها و بررسی پدیده جدایی‌گزینی اجتماعی در شهرهای بزرگ و کلان شهرها، مشخص می‌گردد که عموم این زیستگاهها در زمره «گتوهای فقر» قابل شناسایی و مطالعه می‌باشند. گتوهایی که اکثر ساکنان آنها را مهاجران غالباً روستایی تشکیل می‌دهند که به امید یافتن کار و زندگی بهتر دیار خود را رها و جذب شهرها شده‌اند.

۳- سیاست دولتها در برخورد با گتونشینان

در همه کشورها، کیفیت و کمیت خانه‌هایی که مسکن مردم است، بسیار متنوع می‌باشد. گتوها کم و بیش در همه کشورها وجود دارند، اما کشورهای

دارای کمترین درآمد اغلب مشکلات خاصی دارند که برای کشورهای پر درآمد ناشناخته است. میلیونها سکنه غیرقانونی در کشورهای کم درآمد وجود دارند. بمبئی و کلکته هر یک به تنهایی دست کم یک میلیون نفر دارند و تقریباً در همه شهرهای جنوب آسیا، جنوب آمریکا و آفریقا وضعیت چنین است. ساکنان غیرقانونی معمولاً افراد کم درآمدی هستند که به تازگی به شهر مهاجرت کرده‌اند و از عهده هزینه مسکن قانونی بر نمی‌آیند. آنان در زمینهای دولتی یا خصوصی جاخوش می‌کنند و هر سرپناهی که بتوانند در آن می‌سازند و در این کار اغلب مصالح دور ریخته شده را به کار می‌برند و از کمک دوستان خود بهره می‌گیرند. (میلز ۱۳۷۵: ۵۶۸ - ۵۷۰)

اما، همه سکنه غیرقانونی افراد کم درآمد نرسیده نیستند. برخی از آنان بدان سبب این وضع را برگزیده‌اند که دولت به علت ناتوانی یا به دلایل سیاسی ایشان را می‌راند، یا بدان سبب که با این روش به مسکنی ارزان دست می‌یابند. در برخی موارد اینان خانه‌هایی اساسی می‌سازد و در طول زمان آن را تکمیل می‌کنند. سکنه غیرقانونی به هر کجا بروند، مایه بحث و جدال‌اند. آنان شاید در مکانهای غیربهداشتی و خطرناک زندگی کنند، اغلب بیکار و معمولاً از لحاظ سیاسی در دسرافرین‌اند و برخی از سکونتگاههای ایشان مأمّن جنایتکاران می‌شود. اما اینان نیز مثل دیگر مهاجران در جستجوی زندگی بهتر، آموزش و اشتغال برای خود و خانواده‌شان از روستاها به شهر می‌آیند. بررسی‌ها در بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که بسیاری از این سکنه غیرقانونی در روستاهای خود وضعی به مراتب بدتر دارند. سیاستهای دولت در ارتباط با این سکنه غیرقانونی معمولاً چهار نوع است که هر یک با فاصله‌ای اندک از دیگری اجرا می‌شود. این سیاستها به ترتیب اولویت در اجرا عبارتند از: (میلز ۱۳۷۵: ۵۷۲ - ۵۷۷)

۳-۱- سیاستهای بی توجهی به گتونشینان

دولت این سکنه غیرقانونی را نادیده می‌گیرد. این گونه افراد در نقشه‌های اصلی و در دفاتر ثبت مسکن ظاهر نمی‌شوند. احتمالاً به آنان اجازه نمی‌دهند که زمانی طولانی در مسکن غیرقانونی خود بمانند. بنابراین، در سرشماریها و دیگر داده‌ها به حساب نمی‌آیند. خدماتی چون آموزش، بهداشت، آب، شبکه فاضلاب، خیابان و حمل و نقل به آنان داده نمی‌شود.

۳-۲- سیاستهای حذف گتونشینان

دولت می‌کوشد اینان را براند و این امر بیشتر بر اثر فشار مالکان زمینی که در اشغال اینان درآمده، یا بر اثر درخواستهای ساکنان محلات مجاور، یا سازمانهای دولتی مسئول مراقبتهای بهداشتی یا ناظر بر ضوابط ساختمان یا سازمانهایی که زمینهای عمومی تحت اشغال این سکنه غیرقانونی در قلمرو قانونی آنان است، می‌باشد. در دهه ۱۹۶۰، عکسهایی در روزنامه‌های ایالات متحده به چاپ رسید که عملیات دولتهای آمریکای جنوبی را برای ویران کردن سکونتگاه این سکنه غیرقانونی نشان می‌داد. زیر این عکسها نوشته شده بود: «هدیه اتحاد برای پیشرفت» البته این گونه افراد آنگاه که از محلی رانده می‌شوند، معمولاً از جایی دیگر در همان شهر سردر می‌آورند.

۳-۳- سیاستهای جایجایی گتونشینان

در این روش، دولت می‌کوشد گتونشینان را جابجا کند. زمینهایی، معمولاً در حاشیه شهر که خالی است، در نظر گرفته می‌شود و خانه‌های عمومی در آنها بنا می‌گردد که معمولاً دارای کیفیت بالا و در ساختمانهای مرتفع است. آنگاه، این گونه افراد از مسکن غیرقانونی خود رانده می‌شوند و این آپارتمانهای جدید برای اجاره یا خرید به آنها عرضه می‌شوند و در هر دو حالت دولت به آنها ارائه می‌دهد. برنامه جایجایی به طور کلی مؤثر نبوده است. مسکن جدید ممکن است بسیار گرانتر از آن باشد که این افراد از عهده آن برآیند، حتی اگر دولت به آن یارانه دهد. سکنه جابجا شده، اغلب مسکن خود را به قیمت بازار می‌فروشند یا اجاره می‌دهند و دوباره به زاغه‌ها برمی‌گردند. البته این بار پولدارتر شده‌اند. در اغلب موارد، این خانه‌های عمومی در جایی نامناسب قرار دارند، یعنی از جاهایی که این افراد می‌توانند کار پیدا کنند، دور است. زیرا در ساختن این خانه‌ها رابطه نزدیک میان کار و محل سکونت افراد کم درآمد نادیده گرفته می‌شود.

بسیاری از افراد کم درآمد، خاصه مهاجران جدید، در «بخش غیررسمی» کار می‌کنند و به کارهایی چون تعمیرات، حمل و نقل بار و خرده‌فروشی مواد غذایی مشغول هستند. به طور مشخص، برخی افراد خانواده در محل سکونت خود به تعمیر یا پرداخت کالاهایی دست می‌زنند و فرد بزرگسال در بیرون خرید و فروش می‌کند یا به دنبال مشتری برای کالا و خدمات اینان می‌گردد. در واقع، از دیرباز نخستین شغل مهاجران روستایی، این بخش غیررسمی «کار برای خود» بوده است. این شغل درآمد بخور و نمیری برای ساکنان جدید فراهم می‌کند و به آنان امکان می‌دهد در پی مشاغل دارای مزد باشند. برای این منظور، مسکن باید جایی باشد که شغل آنها بازاری دارد و نزدیک به مشتریان است. خانه‌های عمومی که در حومه‌های دورافتاده قرار دارند، هیچ یک از این نیازها را برآورده نمی‌کنند.

۳-۴- سیاستهای قانونی کردن گتونشینان

این روش مبتنی بر به رسمیت شمردن قانون گتونشینان از طرف دولت است. اگر مکان سکونت این گونه افراد چندان خطرناک نباشد، یعنی مثلاً در تپه‌هایی که احتمال لغزش خاک وجود دارد یا در کنار رودهایی که خطر سیلاب آب در میان است، دولت به این افراد زمین می‌دهد یا زمین را با امتیازهایی به ایشان می‌فروشد و معمولاً با این شرط که در ساختن مسکن خود حداقل شرطهای استاندارد را رعایت کنند. گاه دولت به اینان کمک می‌کند تا مصالح ساختمان را تهیه کنند و معمولاً خدماتی به ایشان عرضه می‌کند، مانند راههای شوسه، آبریزگاههای عمومی، تلمبه آب و روشنایی خیابانها. این روش اغلب با یارانه اندکی به ساکنان همراه است، اما انگیزه‌های ایشان را افزایش نمی‌دهد. آنان یقین دارند که می‌توانند جایی را که می‌سازند، تصرف کنند. در آن سکونت گیرند، یا اجاره دهند یا بفروشند. برای این روش، آزمون وسیعی لازم است تا مانع از آن شود که شمار زیادی از افراد بدین شیوه در جایی مسکن گیرند و خواهان آن شوند که زمین به ایشان داده شود یا به قیمت ارزان فروخته شود. همچنین، این

برنامه معمولاً این شرط را پیش می‌کشد که دریافت کنندگان زمین دست کم چند سالی در آنجا ساکن بوده باشند. قانونی شدن معمولاً بعد از چند سال که سکنه غیرقانونی در جایی ساکن بوده‌اند، عملی می‌شود و زمین داده شده چندان کوچک است که فقط افراد برآستی فقیر خواهان آن می‌شوند.

از دیدگاه اقتصادی، سکونت غیرقانونی و تبدیل وضع غیرقانونی به وضع قانونی دو جنبه مهم دارد: توزیع مجدد ثروت و تخصیص منابع.

قانونی کردن یا تساهل نسبت به اشغال غیرقانونی دایمی زمین دیگران در واقع نوعی توزیع مجدد ثروت از مالک قبلی به مالک بالفعل امروزی است. این شکل از توزیع کم و بیش بی‌استثنا به نفع فقر است و آمیخته با نوعی شفقت و دلسوزی. اثرات تخصیص منابع در دسرهای بیشتر پدید می‌آورند. بنابراین، هیچ تضمینی وجود ندارد که زمین به بهترین شکل مورد استفاده قرار گرفته است.

همچنین، اگر این سکونتگاههای غیرقانونی، برای دوره‌ای قانونی شناخته شوند، و مالکیت آن به صورت مجانی یا با قیمت تخفیف یافته به ساکنان واگذار شود، انگیزه برای این نوع مسکن‌گزینی تشدید خواهد شد. افزون بر این، سکنه غیرقانونی اغلب سالهای بسیار در جایی سکونت می‌کنند تا روشن شود که آیا مقامات حق مالکیت ایشان را به رسمیت می‌شناسند یا نه. در طول این مدت مالک اصلی قانونی نمی‌تواند ملک خود را بفروشد. زیرا نمی‌تواند خریدار را مطمئن کند که تصرف این ملک عملاً امکانپذیر است. سکنه غیرقانونی انگیزه‌های ندارند تا بناهایی بادوام بسازند زیرا این احتمال هست که از آن مسکن رانده شوند و آنچه ساخته‌اند به تصرف دیگری درآید یا به احتمال بیشتر، ویران شود.

۴- انواع محلات گتونشین تهران به لحاظ کالبدی - اجتماعی

سابقه پیدایش بافت‌های گتونشین در تهران، بقول‌ی به سال ۱۳۱۱ برمی‌گردد که البته مدارک کافی برای تأیید آن تاکنون بدست نیامده است. لیکن بدون تردید پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد خاصه از سال ۱۳۳۵ به بعد، اجتماع‌های گتونشین تهران با سرعت قد برافراشتند تا سریع شدن توسعه و برون‌زای کشور را طنین‌انداز شوند. بطوریکه اکثر بافت‌های گتونشین تهران در فاصله زمانی ۱۳۵۵ - ۱۳۴۵ بوجود آمدند. نخستین مناطق گتونشین در گودهای جنوب شهر تشکیل شد که تا شهریور ۱۳۵۹ نزدیک به ۱۰۴۵۰ خانوار یا جمعیتی نزدیک به ۴۶۰۰۰ نفر را در خود جای داد. (پیران، ۱۳۷۲: ش ۸-۵۲) انواع اجتماعات و محلات گتونشین تهران را به لحاظ کالبدی - اجتماعی می‌توان به سه گروه کلی تقسیم نمود که عبارتند از: حلب شهرها، روستا شهرها و اجتماعاتی که نام گتوهای اجتماعی - فرهنگی را می‌توان بر آنها نهاد.

۴-۱- حلب شهرها

اجتماع‌های آلونک‌نشین برپا شده از قوطی‌های حلبی انباشته از شن و ماسه و خس و خاشاک به «حلب شهرها» یا «حلبی آبادها» مشهورند. این اجتماعات در مناطق ۸، ۴، ۲ و ۱۵ شهرداری تهران به صورت مجتمع

سربر آورده‌اند. از حلب شهر منطقه ۸ حلب شهر خیابان اتحاد واقع در منطقه ۴ و حلب شهر «پل مدیریت» در منطقه ۲، می‌توان به عنوان نمونه‌های بارز اجتماعات گتونشین به شکل حلبی‌آباد در کلان شهر تهران نام برد. (پیران، ۱۳۷۲: ش ۹-۳۰)

۴-۲- روستا شهرها

این نوع گتوها از نظر معماری ساخت روستاهای متمرکز شمال غربی، غرب و بخشهایی از مرکز کشور را تداعی می‌کند. به نحوی که اگر دکل‌های برق فشار قوی موجود در برخی نقاط و اسباب و اثاثیه مستهلک فراوانی را که برگرداگرد و بام آلونک‌ها بر روی هم تلنبار شده‌اند نادیده بگیریم، سیمای ظاهری مناطق گتونشین با نمای کلی روستاهای یاد شده یکسان به نظر می‌رسد و گاه تشخیص تفاوت‌های ظاهری این دو سخت دشوار می‌نماید. همسانی بافت فیزیکی با معماری نوع دوم اجتماع‌های آلونک‌نشین با برخی از روستاهای کشور این امکان را فراهم می‌آورد که بدین قبیل اجتماعات گتونشین «روستا شهر» یا «شهرکهای روستاگونه درون شهرها» خاصه کلان شهرها نام داد.

اکثر شهرکهای غیرمجاز و حتی برخی از شهرک‌های مجاز پیرامون و درون تهران که عمدتاً طبقات تهیدست شهری را در خود جای داده‌اند، از این مقوله بشمار می‌روند. بخش اعظم این قبیل شهرک‌ها را در منطقه ۱۶ شهرداری (شهرک بعثت، ساختمان اداری کوره‌پزخانه متروک، شهرک شهید عراقی، شهرک مطهری، شهرک طالقانی، شهرک ملک‌آباد، شهرک جوانمرد قصاب) و یک نمونه بارز آن را در منطقه ۱۰ شهرداری تهران در خیابان زنجان جنوبی می‌توان یافت. (پیران، ۱۳۷۲: ش ۱۰-۵۱)

۴-۳- گتوهای اجتماعی - فرهنگی

بر نوع سوم اجتماعات آلونک‌نشین تهران برخلاف دو نوع قبلی که با عناوین «حلب شهرها» و «روستاهای درون شهر» معرفی گردیدند، به سختی می‌توان نام خاصی نهاد. زیرا نامگذاری دو نوع قبلی بر معیارهای فیزیکی و نوع معماری اجتماعات آلونکی استوار بود اما بافت فیزیکی نوع سوم دارای ویژگی خاصی نیست و معماری ساده آن با مساکن تهیدستان شهری و خانه‌سازی غیرمجاز حاشیه شرقی و جنوبی تهران تفاوت بارزی ندارد و تا حد زیادی از آنها قابل تفکیک نیست. تنها عاملی که سبب می‌شود این نوع اجتماعات را به عنوان یک منطقه گتونشین در نظر گرفت، تفاوتی است که بین این قبیل اجتماعات و سایر نقاط بلافصل و دور و بر آنها وجود دارد و این تفاوت دارای ریشه اجتماعی - فرهنگی است. ارزش‌گذاری از یک سو و روابط قومی موجود در این نوع سکونتگاهها از طرف دیگر، آگاهی گتونشینان را نسبت به موقعیت اجتماعی خویش بالا برده و تجانس و وفاق اجتماعی، گروه‌گرایی درون‌گرایانه مشهودی را به ارمغان آورده است. بر این اساس شاید بتوان نام «گتوهای اجتماعی - فرهنگی» را به این نوع از اجتماعات اطلاق کرد.

ساخت فیزیکی گتوهای اجتماعی - فرهنگی، بسیار منظم‌تر از دو نوع

دیگر است و معمولاً در کنار خیابان اصلی و در ادامه نظم موجود و بر سیاق خیابان‌های طراحی شده، روئیده‌اند. در دو مورد حتی گذر اصلی و خیابان مرکزی اجتماع گتونشین هم عرض خیابان‌های موازی خود بوده و آسفالت نیز شده است. خصوصیتی آشکار بین ساکنین نقاط کاملاً محیط بر اجتماعات آلونکی و مردم گتونشین وجود دارد که در گتوهای اجتماعی - فرهنگی از جهاتی شدیدتر است. افراد خارج از اجتماع باور دارند که وجود این نوع بافت‌ها در اطراف ایشان باعث کاهش قیمت زمین و خانه آنان شده، از مطلوبیت و کیفیت محله می‌کاهد و منزلت مکان زندگی آنان را در نظام درجه‌بندی موجود شهر تهران کاهش می‌دهد. (پیران، ۱۳۷۲: ش ۱۱ - ۵۶)

۵- مهمترین ویژگی‌های محلات گتونشین تهران

بررسی انواع مناطق گتونشین تهران به همراه مطالعه نمونه‌های موردی از هر یک از آنها، خصوصیتی مشترک را برای این اجتماعات آشکار می‌سازد. مواردی که اگر بدرستی مورد تأمل قرار گیرند، در بسیاری از گتوهایی که در کشورهای جهان سوم وجود دارند، کمابیش یکسان و شبیه هم هستند. در این بخش مهمترین ویژگیهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی و فیزیکی مناطق گتونشین تهران به صورت جداگانه معرفی گردیده‌اند:

۱-۵- ویژگیهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی

اکثر ساکنان محلات گتونشین تهران، علی‌رغم برخی تفاوت‌های ظاهری از خصوصیتی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برخوردارند که همزیستی و زندگی آنها را در کنار یکدیگر ممکن ساخته و بافت جمعیتی خاصی در این محلات پدید آورده است. گاه ساکنان یک محله گتونشین همگی در یک حرفه اشتغال داشته و یا از یک منطقه کشور به تهران مهاجرت کرده‌اند و از یک نوع فرهنگ و گویش برخوردارند. برخی از بارزترین این ویژگیها در ذیل فهرست شده‌اند: (پیران، ۱۳۷۲: ش ۷-۳۵ و ۸-۵۱، ۵۲)

● اجتماع‌های گتونشین در زمینه منافع مشترک خاصه مربوط به تخلیه مسکن فوق‌العاده متجانس و دارای همبستگی‌اند.

● مهاجرت از روستا به شهر برای درصد بالایی از ساکنین رخ داده است.

● اکثر مهاجران گتونشین در بخش غیررسمی اقتصاد اشتغال دارند و از

ثبات شغلی بی‌بهره‌اند.

● اکثر مهاجران دارای مشاغل خدماتی‌اند و از مهارتی برخوردار نیستند و معمولاً درآمدی پایین دارند و به رفتگری، ماشین‌شویی، نوکری، کلفتی و گشتن زباله‌ها مشغولند.

● درصد بالایی از ساکنین مناطق گتونشین از وضع فعلی خود راضی‌اند

و حاضر به بازگشت به روستا نیستند.

● درصد بالایی از بزرگسالان بیسوادند و جوان‌ترها نیز معمولاً به ادامه

تحصیل راغب نیستند.

● در مورد مسایل جمعی و اتفاقاتی که به سرنوشت اجتماع گتونشین

مربوط می‌شود سخت سازمان یافته و متحد عمل می‌کنند.

● به علت بی‌ثباتی شغلی و تزلزل مسکن نسبت به غریبه‌ها مشکوک و

برای پرسش‌های مسأله‌ساز پاسخ‌های کلیشه‌ای یکسان آماده دارند.

● بر اهمیت مسکن خود واقفند و حاضر نیستند آن را به هیچ قیمتی از دست بدهند و نیک می‌دانند که داشتن سرپناه به هر شکل هزینه عمده‌ای چون اجاره خانه را از دوش آنان برداشته است.

● قدرگرا و دارای انگیزه‌های محدودند.

● اکثریت ساکنین محلات گتونشین با مبدأ مهاجرت یا موطن خود در ارتباط دائمی‌اند و همین ارتباط سبب مهاجرت بیشتر هم ولایتی‌ها و اقوام و آشنایان ایشان و اقامت در اجتماع گتونشین می‌گردد.

● کسانی که از محلات مختلف شهر خارج و به مناطق گتونشین رفته‌اند، معمولاً شبکه روابط قبلی خود را گسسته و کمتر به محل سکونت قبلی رفت و آمد می‌کنند.

● به علت مشکلات اقتصادی و فقر مزمنی که دامنگیر اکثریت ساکنین اجتماعات گتونشین است، استعداد رشد آسیب‌های اجتماعی در این قبیل مناطق از سایر نقاط بالاتر بوده، سودجویان زرانندوز با بهره‌گیری از این استعداد محیط این اجتماعات را آلوده می‌سازند.

● استعداد آسیب‌زایی در بین ساکنین غیرمهاجر مناطق گتونشین و گروه‌هایی که تجربه دوره گردی و عدم یکجانشینی دارند بیش از سایرین است.

● ساکنین مناطق گتونشین در اجتماع کل شهر جذب شده و کمتر به علت محل اقامت خود با مسأله‌ای روبرو هستند. لیکن در اطراف محل استقرار، اجتماعات گتونشین مورد تحقیر قرار گرفته با محیط پیرامونی احساس خصومت می‌کنند.

● مناطق گتونشین گرچه مستعد آسیب‌زایی هستند لیکن انبوه تهیدستان شرافتمند شهری که قربانیان اصلی توسعه برونزای کشور به حساب می‌آیند را نیز در خود جای داده‌اند لذا به هیچ وجه نباید گتونشینی را مترادف دست‌یازی به اعمال خلاف و یا تجاوز به حقوق دیگران تلقی کرد.

● تزلزل شغلی، عدم احساس امنیت در مورد سرپناه و احساس حقارت و زندگی در محلی غیرقانونی سبب شده است تا درصد بالایی از ساکنین دچار اضطراب شدید و عوارض روانی ناشی از آن شوند.

● مناطق گتونشین چون کل شهر طبقاتی شکل گرفته‌اند و لذا سلسله‌مراتبی از قدرت، منزلت و درآمد و رفاه در این قبیل اماکن به چشم می‌خورد.

● نسل جوان مناطق گتونشین روستایی نبوده و آگاهانه به انکار ریشه‌های روستایی خود پرداخته، گاه از این منظر والدین خود را مسخره می‌کنند.

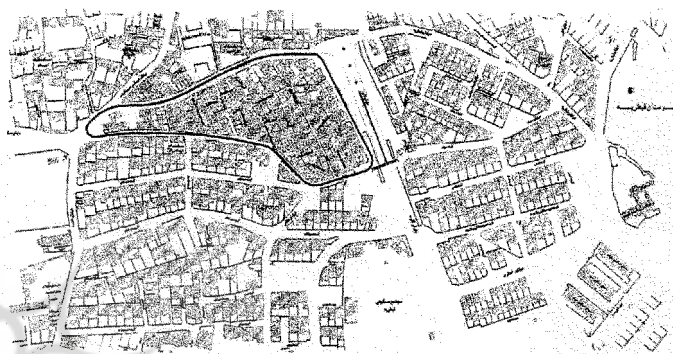
● تعداد زیادی از خانوارهای ساکن مناطق گتونشین بدهکارند.

● جمع ماههای بیکاری برای اکثریت رؤسای خانوارهای مناطق گتونشین بین ۳ تا ۵ ماه در سال در نوسان است که خود یکی از عوامل بارز فلاکت ایشان بشمار می‌رود.

● اعضای مناطق گتونشین به علت وضع متزلزل خود خاصه در رابطه با تصرف عدوانی زمین می‌کوشند تا خود را با دستگاه اداری - سیاسی کشور هم‌نوا نشان دهند لیکن این هم‌نوايي در اغلب اوقات از عمق و غنای لازم برخوردار نیست.

۲-۵- ویژگی‌های کالبدی و فیزیکی

بافت محلات گتونشین تهران، به دلیل فشردگی بیش از حد خود، کاملاً از دیگر محلات و مناطق اطراف خود متمایز می‌باشند. در نگاره ۱، یک نمونه از بافت محلات گتونشین تهران در منطقه قیطریه در مقایسه با نواحی اطرافش نشان داده شده است. کوچه‌های تنگ، قطعات زمین کوچک و در عین حال با تراکم بالا و ارتفاع کم ساختمانها از دیگر ویژگیهای محلات گتونشین تهران می‌باشند.



نگاره ۱: بافت فشرده محله گتونشین قیطریه در تضاد با مناطق اطراف (مهندسین مشاور فجر توسعه، ۱۳۸۳)

در ذیل برخی دیگر از مهمترین خصوصیات کالبدی گتوهای تهران به اختصار بیان گردیده‌اند:

● از نظر فیزیکی محلات گتونشین از سایر مسکن شهری مجزا به نظر می‌رسند و از مصالح نامتعارف و به نحوی ناپایدار بنا شده و معمولاً از حلیبی، گل، تخته‌های نامنظم، نایلون، ایرنیت فرسوده و نظایر آن ساخته شده‌اند.

● مساحت مناطق مسکونی گتوها بسیار کوچک و فضای زیستی افراد بسیار قلیل است.

● خانه‌ها معمولاً به خارج پنجره نداشته، درصد مهمی از آنها تاریک و نامورند و لذا از نظر بهداشتی در وضعیت مطلوبی قرار ندارند.

● تخلیه زباله و فضولات و سیستم فاضلاب فوق‌العاده ابتدایی و آلوده است.

● الحاقات مصنوعی به ساختمانها همچون کولرها، دودکش‌ها، ناودانیها، تابلوهای تجاری، کانالهای تأسیساتی بیرون زده از نمای بناها، تیرهای چوبی برق که سیمها و کابلهای برق فراوان و اکثراً به صورت غیرقانونی از آن به اطراف کشیده شده از مهمترین عوامل مخدوش کننده سیمای شهری در این گونه محلات بوده و در مجموع تصویری ناخوشایند برای هر ناظر گذرنده از آنها پدید می‌آورند.

● تقریباً تمامی مسکن در این گونه محلات به دلیل استفاده از مصالح ساختمانی نامناسب و کم دوام در معرض خطر بسیار بالای زلزله بوده و حتی وقوع یک زلزله کم شدت نیز می‌تواند آنها را با خاک یکسان نماید. تراکم بسیار بالای انسانی در این خانه‌ها، بر آسیب‌پذیری این محلات در برابر هر حادثه طبیعی به شدت افزوده است.

● فضاهای باز شهری و مکانهای تجمع مردمی به دلیل بافت فشرده در

این محلات یا اصلاً وجود ندارند و یا بسیار کوچک و نامتناسب با مقیاس محله هستند.

● سرانه‌های فضای سبز، خدمات فرهنگی، بهداشتی، آموزشی، ورزشی و سرگرمی معمولاً در این گونه محلات بسیار کمتر از استانداردهای تعریف شده منطقه شهری یا کل شهر می‌باشد.

● هیچ‌گونه دید به نشانه‌های شهری از دید ناظر در این محلات وجود نداشته و معمولاً نشانه‌های در مقیاس محله‌ای نیز در آنها به ندرت به چشم می‌خورد.

● نفوذپذیری، چه به لحاظ حرکت سواره و چه به صورت پیاده در این گونه محلات به دلیل انزوای فیزیکی آنها از بافت شهری حداقل بوده و همین امر یکی از مهمترین دلایل شکل‌گیری بزهای اجتماعی بیشتر نسبت به دیگر محلات در آنها می‌باشد.

● خط آسمان در این گونه محلات همانند بافت جمعیتی موجود در آنها، تقریباً یکنواخت و ممتد بوده و نقاط شاخص ارتفاعی که سبب تمایز از دیگر بخشها گردد، در آنها به ندرت دیده می‌شوند.

۶- راهکارهای پیشنهادی اصلاح محله‌های گتونشین تهران

همانگونه که ذکر شد، به طور کلی راهکارهایی را که تاکنون در برخورد با گتوها بکار رفته است را می‌توان به سه گروه کلی؛ سیاستهای بی‌اعتنایی و بی‌توجهی، رویکرد منفی و سیاستهای حذفی و رویکرد مثبت به این پدیده و تلاش در جهت قانونی کردن و در عین حال اصلاح بافت نامناسب این محلات از طریق روشهای گوناگون، تقسیم‌بندی نمود.

به نظر می‌رسد که برخورد با معضل گتونشینی در ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان سوم در عین شباهتهای بسیار دارای تفاوت مهمی است و آن عبارت از زمینه‌ها و عوامل تعدیل این مسئله در مقام مقایسه با سایر کشورهاست. مهمترین این عوامل تعدیل، در زیر فهرست شده‌اند: (پیران، ۱۳۷۳: ش ۱-۳۴، ۳۵)

● ثروت خداداد جامعه ایران، خاصه درآمد سرشار کشور طی دهه ۱۳۵۰، بازار گسترده‌ای ایجاد کرد و برای چندین سال متوالی ثبات شغلی و درآمد نسبتاً بالایی (در مقام مقایسه با سایر کشورها) را به صورت کاذب به وجود آورد.

● وقوع انقلاب و تصرف زمینهای حاشیه شهرها به ویژه تهران توسط گروههای کم درآمد و اجرای چندین طرح اسکان در اوایل انقلاب.

● اهمیت روانی داشتن سرپناهی از خود در طول تاریخ ایران و تأکید بر چهاردیواری اختیاری در فرهنگ ایرانیان و اهمیت محیط بسته اندرون برای فرار از محیط ناامن بیرون که سبب نامطلوب انگاشتن گتونشینی نامطمئن گردیده است.

در جدول ۱، راه‌حل‌های گوناگون برخورد با گتوها در ایران و اکثر کشورهای جهان سوم و ارزیابی میزان موفقیت هر یک از آنها ارائه و ارزیابی گردیده است. تخریب بدون قید و شرط، تخریب و کوچاندن افراد به محل زندگی قبلی یا محل تولد، تخریب پس از دادن زمین ارزان و مصالح ساختمانی به قیمت نازل یا مجانی، تخریب پس از انتقال به مسکن ارزان قیمت آماده خاصه به صورت آپارتمان، اجبار به بازسازی آلونک‌ها توسط اهالی با پذیرش حق آنان بر زمین،

جدول ۱ - راه‌های گوناگون برخورد با محلات گتونشین و ارزیابی آنها

ارزیابی کلی	مشکلات پدیدآمده پس از اجرا	راه حل برخورد با گتو
منفی	افزایش نابهنجاریهای اجتماعی	تخریب بدون قید و شرط
منفی	بازگشت افراد پس از مدتی به محلات گتونشین دیگر	تخریب و کوچاندن افراد به محل زندگی قبلی یا محل تولد
منفی	ایجاد گتو در زمین‌های ارزان جدید	تخریب پس از دادن زمین ارزان
منفی	ایجاد انگیزه برای افزایش گتونشینی	تخریب پس از دادن زمین ارزان و مصالح ساختمانی به قیمت نازل
منفی	ایجاد انگیزه برای افزایش گتونشینی	تخریب پس از دادن زمین و مصالح ساختمانی مجانی
منفی	واگذاری آپارتمان‌ها به دیگران و استقرار در گتوهای جدید	تخریب پس از انتقال به مسکن ارزان قیمت آماده خاصه به صورت آپارتمان
منفی	ترک گتو بدلیل فشار اقتصادی و عدم وجود سیاستهای تشویقی	اجبار به بازسازی خانه‌ها توسط اهالی با پذیرش حق آنان بر زمین
مثبت	اصلاح مسکن نابهنجار و ادغام محله گتونشین در بافت شهری	بازسازی منازل مسکونی با کمک دولت و همیاری اهالی
منفی	افزایش نابهنجاریهای اجتماعی	نادیده انگاشتن با کنترل گسترش آتی
منفی	گسترش و توسعه گتو و نابهنجاریها	نادیده انگاشتن محض

دولت و همیاری اهالی که در درازمدت سبب ادغام محله گتونشین در بافت شهری می‌گردد، راهکار مناسبی برای مواجهه با این گونه محلات خواهد بود.

۷- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همچنانکه اصولاً پیدایش محلات گتونشین نتیجه وضعیت نامناسب اقتصادی ساکنان آن است و ریشه این پدیده در رشد ناموزون و ناهماهنگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع جهان سوم است، گتونشینی نه علت بلکه معلول نظام ناکارآمد اجتماعی است و برای حل بنیادین و اساسی این معضل نیز در اصل باید مناسبات موجود حاکم بر جامعه را اصلاح نمود که در آن صورت این معضل و دیگر نابهنجاریهای اجتماعی و شهری نیز خود به خود برطرف خواهند گردید. اما بدیهی است که این فرایند اگرچه راهکار اصلی و نهایی است اما بسیار زمانبر و طولانی بوده و در کوتاه مدت عملی نخواهد بود. در کوتاه مدت و تا رسیدن به راهبرد بلندمدت توسعه درون‌زا و اجرای دقیق آن به نظر می‌رسد که باید این چنین عمل کرد:

- از ایجاد محلات گتونشین جدید در سطح شهر جلوگیری کرد.
- رشد درون‌محلی گتوهای موجود را محدود ساخت که این امر خودبخود توسط اهالی این اجتماعات به دلایل گوناگون در حال تحقق است.
- امنیت اجتماعی و جلوگیری از شکل‌گیری جرائم و تمرکز افراد بزهکار در این محلات را با کمک خود ساکنین و کار فرهنگی و ایجاد تشکل‌های مدنی از درون خود محلات و با استفاده از افراد معتمد محلی، ساماندهی و مدیریت نمود.

● از طریق وضع قوانین و سیاستهای تشویقی و کمک‌های دولتی و با اتکاء بر نیروی خودیاری ساکنین گتوها و در یک فرایند از پایین به بالا و در عین حال کنترل شده، وضعیت مسکن نابهنجار گتوها را به یک حداقل قابل قبول ارتقاء داده و زمینه انسجام آنها را با دیگر بافتهای شهری مهیا ساخت. بنابراین اولین گام اساسی در اصلاح محلات گتونشین شهر تهران، اصلاح طرز تفکر و سیاستگذاری‌ها در برخورد با این محلات است. ریشه تغییر نگرش به معضل گتوها را نیز باید در تفاوت اساسی بین فرضیات کهنه

بازسازی آلونک‌ها با کمک دولت و همیاری اهالی، نادیده انگاشتن با کنترل گسترش آتی و نادیده انگاشتن محض از جمله این راه‌حلها می‌باشند که مشکلات ناشی از بکارگیری هر یک از آنها در برخورد با این محلات و در نهایت ارزیابی کلی آنها در این جدول ارائه شده است.

حقیقت این است که در طول سالها، تجربه عملی برخورد با این پدیده نشان داده که سیاستهای بی‌توجهی و حذفی واز بین بردن گتوها نه تنها مؤثر واقع نگردیده، بلکه برعکس نتایج منفی فراوانی چون افزایش نابهنجاریها و آسیب‌های اجتماعی به بار آورده است. چنانکه اکنون تقریباً تمامی نظریه‌پردازان و برنامه‌ریزان شهری به این باور رسیده‌اند که تخریب گتوها و در حقیقت حذف صورت مسئله دیگر چاره‌ساز نیست. بدیهی است چنانچه مواجهه با محلات گتونشین همواره به صورت معضلی که باید به صورت یک طرفه و از سوی مدیریت شهری رفع گردد، نگریسته شود - آنچنانکه تاکنون اکثر آبدین صورت در کشور ما عمل گردیده -، در مقابل ساکنان این محلات نیز به صورت واکنشی در برابر این نگرش مقاومت کرده و سعی در حفظ مسکن و محلات خودساز خویش خواهند داشت. نتیجه این که همواره این دو نیرو همچون دو قطب متضاد یکدیگر را خنثی کرده و شرایط مطلوب نه برای ساکنان این محلات و نه برای دیگر شهروندان که از معضلات موجود در این محلات به صورت غیرمستقیم رنج می‌برند، فراهم نخواهد گردید. هرگونه راه‌حلی نیز که بدین شکل با این مسئله برخورد نماید خود به خود محکوم به شکست خواهد بود. اما چنانچه برنامه‌ریزان در برخورد با محلات گتونشین به جای مقابله در کنار ساکنان این مناطق قرار گرفته و با خود آنها همراهی و همفکری نموده و از سیاستهای تشویقی استفاده نمایند، تضاد و درگیری جای خود را به همکاری و همدلی داده و حداقل نتیجه این کار این است که گتونشینان در برابر اجرای برنامه‌های اصلاحی مقاومت و کارشکنی نمی‌کنند. از این رو، هرگونه راه‌حلی نیز که بجای برخورد از بالا به پایین، از پایین به بالا و همراه گتونشینان باشد احتمال موفقیت آن بیشتر و به حل مسئله نزدیک‌تر خواهد بود. از این رو تنها راه‌حلی‌هایی که بجای فشار از بیرون به درون خود محلات توجه داشته باشند همچون بازسازی منازل مسکونی با کمک

و دیدگاه‌های نو در سیاستگذاری در مورد شهرها و برخورد با معضلات آنها جستجو کرد. آن‌چنانکه برخلاف دیدگاه‌های قدیمی که مشکل را خود شهرها می‌پنداشتند، هدف سیاستگذاری‌ها را محدود کردن اندازه شهرها قرار می‌دادند و مهاجران از روستا به شهرها را افراد بی‌خاصیت، سکنه‌های غیرقانونی را سربرابر اقتصاد و خدمات شهری و محله‌های غیرقانونی را بستر ناآرامی‌های سیاسی و بزهکاری می‌انگاشتند، نظریات جدید بر عکس، شهرها را منشاء نوآوری و رشد اقتصادی، و بهبود کارکرد شهرها را هدف سیاستگذاری‌ها قرار داده‌اند. مهاجران را افراد شایسته‌ای می‌دانند که ماهرتر و با انگیزه‌تر از کسانی هستند که مانده‌اند و سکنه‌های غیرقانونی را افرادی که به اقتصاد شهر کمک می‌کنند و ساکنان محله‌های غیرقانونی را میهن پرست و پیشگام تصور می‌کنند.

بنابراین، زمانی که دیدگاه‌های نو منشاء نگرش و تصمیم‌سازی در مورد مسائل شهری قرار گیرند، دیگر نه تنها محلات گتونشین و ساکنان آنها را نباید همچون یک معضل انگاشت، بلکه بر عکس باید آنها را مانند فرصتهایی در نظر گرفت که باید تلاش گردد تا نیروهای بالقوه موجود در آنها به صورت بالفعل درآید. از این رو بدیهی خواهد بود که تمامی امکانات و سیاستگذارهای دولتی و شهری باید در جهت استفاده از گتونشینان برای پیشبرد اهداف اقتصاد محلی و ملی بکار رود. امری که مقدمه آن ایجاد حداقل امکانات و تسهیلات رفاهی است که مهمترین آنها تأمین یک مسکن حداقل برای آنان است. البته این هرگز به معنای تخریب خانه‌ها و آلودگی‌های خودساخته آنان، انتقال آنان به مکانهای دیگر، ساخت خانه‌های ارزان قیمت یا دادن زمین و مصالح ساختمانی مجانی و یا تشویق افراد جامعه و به ویژه روستاییان به استفاده از امکانات دولتی، مهاجرت به شهرها و گتونشینی نیست. بلکه منظور ارائه تسهیلات و وضع قوانین و سیاستهای تشویقی است که گتونشینان به دست خود زمینه ارتقاء مسکن و بافتهای سکونیشان را فراهم کنند یا وضعیت اقتصادی و معیشتی آنان آنچنان بهبود یابد که مسکن خود ساخته راها و جذب دیگر مناطق توسعه یافته شهری شوند. در نهایت اینکه سیاستهای تشویقی نیز تنها نباید به وضع قوانین تجمع قطعات زمین کوچک در این محلات و ارائه تسهیلات در این زمینه کمک گرفتن از مشارکتهای مردمی و تشویق انبوه سازان به فعالیت در این بافتهای خلاصه گردد. دولت، مجلس، وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری‌ها و کلیه سازمانها و نهادهای ذیربط و دارای مسئولیت در مدیریت شهری باید علاوه بر تمامی اهرمهای تشویقی ذکر شده، منابع مالی مناسب در این زمینه را تأمین کرده و یا با وضع قوانین و آیین‌نامه‌ها و اخذ عوارض از برخی محصولات و کالاها و یا خدمات شهری از بخش‌ها و وزارتخانه‌های دولتی و یا شرکتها و سازمانهای خصوصی که هزینه انجام فعالیتهای اقتصادی آنان بر کل شهر تحمیل می‌گردد، این درآمدها را از طریق یک چارچوب تعریف شده و مدون و به صورت یارانه‌ها یا وامهای بلندمدت و فاقد سود یا کم بهره در اختیار ساکنان این محلات قرار دهند تا آنها به اصلاح منازل مسکونی خود پرداخته و تأسیسات زیربنایی و خدمات عمومی محله‌ای نیز توسط شهرداریها و از طریق همین منبع مالی ایجاد گردد.

منابع و مآخذ

- ۱- آ.لاکویان، اپرودیسویا (۱۳۶۴)، خانه‌سازی در جهان سوم (مسکن حداقل)، ترجمه مینور فیعی، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- ۲- پیران، پرویز (۱۳۷۸)، آلودگی‌های نظری بانگای به شرایط ایران، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۸۸-۸۷ و ۹۲-۹۱ و ۹۶-۹۵.
- ۳- پیران، پرویز (۱۳۷۲)، شهرنشینی شتابان و ناهمگون: مسکن نابهنجار، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۱۲-۱.
- ۴- پیران، پرویز (۱۳۷۳)، شهرنشینی شتابان و ناهمگون: مسکن نابهنجار، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱.
- ۵- دراکاکیس - اسمیت، دیوید (۱۳۷۶)، شهر در جهان سوم، ترجمه مجید کارشناس، تهران: انتشارات مانی.
- ۶- شکویی، حسین (۱۳۶۵)، جغرافیای اجتماعی شهرها: ا کولوژی اجتماعی شهر، تهران: انتشارات دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.
- ۷- عابدین درکوش، سعید (۱۳۶۴)، درآمدی به اقتصاد شهری، تهران: انتشارات ستاد انقلاب فرهنگی و مرکز نشر دانشگاهی.
- ۸- گلبرت، آلن و گاکلر، ژوزف (۱۳۷۵)، شهرها، فقر و توسعه، ترجمه پرویز کریمی ناصری، تهران: انتشارات اداره کل روابط عمومی و بین‌الملل شهرداری تهران.
- ۹- مرادی، واروژ (۱۳۸۲)، بررسی دیدگاه‌ها و نظریات مختلف نسبت به کلان شهرها، مقالاتی در زمینه جامعه‌شناسی شهری، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ۱۰- مرادی، واروژ (۱۳۸۲)، بررسی نظریات و مکاتب مختلف در خصوص نقش حکومتهای محلی، مقالاتی در زمینه جامعه‌شناسی شهری، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ۱۱- مرادی، واروژ (۱۳۸۲)، چارچوب نظری: نقش نوین شهرها، مقالاتی در زمینه جامعه‌شناسی شهری، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ۱۲- مرادی، واروژ (۱۳۸۲)، چگونگی مشارکت مردمی در فعالیتهای مدیریت شهری، مقالاتی در زمینه جامعه‌شناسی شهری، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ۱۳- مرادی، واروژ (۱۳۸۲)، مسایل توسعه و گروهای کم درآمد (فقر در کلان شهرها)، مقالاتی در زمینه جامعه‌شناسی شهری، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ۱۴- ملکی، مرتضی (۱۳۸۲)، مرکز کارسازی و حمایت از جوانان بیکار فقیر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ۱۵- میلز، ادوین و بروس، همیلتن (۱۳۷۵) اقتصاد شهر، ترجمه عبدالله کوثری، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

پی‌نوشت

- 1- Ghetto
- 2- R.E.Park